

Iranian Bureaucrats and Strengthening the Position of Non-Arab Muslims

Fateme Parsafar¹ , Mohammad Seprhri²   and Ne'matollah Ahmadi Nasab

1. Department of History, Literature and Humanities, Central Tehran Azad University, Tehran, Iran. E-mail: f.parsafar93@gmail.com

2. Full Professor, Central Tehran Azad University, Iran. E-mail: sepehran55@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of History, Azad University, Central Tehran Branch, Iran. E-mail: nematahmadi@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	The Abbasid era is known for the emergence of powerful Iranian bureaucrats such as the Barmakids and the Sahl dynasty whom were the most famous of. The Barmakids and Sahl dynasties undoubtedly made the greatest effort to rebuild Iranian identity within the Abbasid government. Essentially, the outstanding feature of these powerful families was the preservation and expansion of the position of non-Arab Muslims, and subsequently the preservation of Iranian culture, art, politics, and government. For all of these families, especially the Barmaqi family, returning to the pre-Islamic era was the most important goal of politics within the Abbasid regime. Based on what has been said, the question of the present research is: "What role did Iranian bureaucrats play in strengthening the position of non-Arab Muslims in the Abbasid Caliphate?" The hypothesis put forward is that due to the dominance of Iranian bureaucrats, non-Arab Muslims enjoyed a proper position and enjoyed citizenship rights like other Muslims. The present study is based on a descriptive-analytical method and documentation of library resources.
Article history: Received 2023-04-15 Received in revised form 2023-06-05 Accepted 2023-06-15 Available online 1 July 2025	
Keywords: Abbasids, Iranian bureaucrats, Barmakids, Sahl dynasty, Nubakht dynasty, Iranian identity.	

Cite this article: Parsafar, F; Seprhri, M; & Ahmadi Nasab, N. (2025). Iranian bureaucrats and strengthening the position of non-Arab Muslims, *Historical Studies of the Islamic World*, 34 (2), 82-99. <https://doi.org/10.22034/mte.2023.15239.1687>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

DOI: <https://doi.org/10.22034/mte.2023.15239.1687>

دیوانسالاران ایرانی و تقویت جایگاه مسلمانان غیر عرب

فاطمه پارسا^۱ | محمد سپهری^۲ | نعمت الله احمدی نسب^۳

۱. نویسنده مسؤول، گروه تاریخ، ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد تهران مرکزی، تهران، ایران.

رایانامه: hhajianpour@yahoo.com

۲. استاد تمام دانشگاه آزاد تهران مرکزی ایران. رایانامه: sepehran55@gmail.com

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، ایران. nematahmadi@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

دوران عباسیان به ظهور دیوانسالاران قدرتمند ایرانی چون برمکیان، خاندان سهل که از همه مشهورتر بودند، شناخته می شود. خاندان برمکه و آل سهل بی تردید بیشترین تلاش را برای بازسازی هویت ایرانی در دل حکومت عباسی کرده اند. اساسا ویژگی برجسته این خاندان های نیرومند، حفظ و گسترش جایگاه مسلمانان غیر عرب و به دنبال آن حفظ فرهنگ، هنر، سیاست و حکومت ایرانی بود. برای همه این خاندانها به ویژه خاندان برمکی بازگشت به دوره ی قبل از اسلام، مهمترین هدف سیاست ورزی در دستگاه عباسیان بود. بر اساس آنچه گفته شد، سوال پژوهش حاضر آن است که «دیوانسالاران ایرانی چه نقشی در تقویت جایگاه مسلمانان غیر عرب در دستگاه خلافت عباسی داشتند؟». فرض مطرح شده آن است که بواسطه سیطره ی قدرت دیوانسالاران ایرانی، مسلمانان غیر عرب از جایگاه مناسبی برخوردار شده و مانند دیگر مسلمانان از حقوق شهروندی برخوردار شدند. پژوهش حاضر بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه ای تدوین شده است.

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

کلیدواژه ها:

عباسیان،

دیوانسالاران ایرانی،

برمکه،

آل سهل،

آل نوبخت،

هویت ایرانی

استناد: پارسا، فاطمه؛ سپهری، محمد؛ و احمدی نسب، نعمت الله (۱۴۰۴). دیوانسالاران ایرانی و تقویت جایگاه مسلمانان غیر عرب. مطالعات

تاریخی جهان اسلام، ۳۴ (۲)، ۹۹-۸۲. <https://doi.org/10.22034/mte.2023.15239.1687>



مقدمه

عصر اول خلافت عباسی (۲۳۲-۱۳۲ق) که عصر نفوذیان ایران در دستگاه خلافت عباسی می باشد، با دوره های بعدی عصر خلافت تفاوت های بنیادین دارد؛ این تمایز نه فقط در مقایسه با عصر اموی و مشخصات جامعه و فرهنگ و سیاست به روزگار خلفای اموی در دمشق جلوه گر می شود، بلکه باید آن را بستر اصلی و واقعی تحولات شگرفی دانست که به دوران بعد، خاصه سده چهارم هجری بارور شد. از دیدگاه سیاسی، انقلاب عباسی و استقرار پایه های آن به وسیله ایرانیان، به رغم بنیادهای اجتماعی و سیاسی که امویان پی افکنده بودند، یا آموزه های فکری که به تشویق آنان بنیاد شد و از آن پس قیام های پرمخاطره گروه های مذهبی و قومی که به انقراض امویان امیدها بسته و اینک شکست آن آرزوها را با وجود عباسیان می دیدند، و سپس طلیعه ظهور نخستین دولت های محلی در قلمرو شرقی و غربی خلافت، و ظهور و حضور ایرانیان و دیوان سالاری ایرانی در دستگاه خلفا سخت قابل تأمل است. از دیدگاه اجتماعی، تحولاتی که در شئون مختلف زندگی، به ویژه زندگی شهری ایجاد شد و تأثیر انکارناپذیر تمدن اقوام مغلوب خاصه ایرانیان در زندگی مادی و معنوی مسلمانان و تکامل نهادهای اجتماعی، و از بعد فرهنگی، آغاز مهمترین و گسترده ترین داد و ستدهای مثبت و جدی فرهنگی میان مسلمانان و اقوام دیگر، ایجاد اولین پایگاه های نشر دانش، شکوفایی بی مانند شعر و ادب و آغاز عصر ترجمه و تالیف و تصنیف منظم در فنون مختلف، از خصایص مهم این عصر است. خلفای عصر اول عباسی، در شکل گیری انقلاب و پیروزی بر امویان، بیشترین استفاده را از ایرانیان بردند. این چنین بود که وقتی دولت عباسی مستقر شد، ایرانیان چنان در ارکان آن جای گرفتند که مورخان و نویسندگان آن را دولتی ایرانی خواندند. در واقع نه فقط سازمان دولت و مهمترین نهادهای دولتی در عصر اول عباسی از سازمان های ایرانیان اقتباس شد، بلکه مشهورترین دیوانسالاران دستگاه خلافت از ایرانیان بودند. نگاهی به نام و نشان دانشمندان علوم مختلف از دانش های دینی و فلسفی تا شعر و ادب و هنر با انبوه آثاری که پدید آوردند، و نیز عناصر مادی حیات مانند خوردنی ها و نوشیدنی ها و زینت ها و سرگرمی ها و بازی ها و جشن ها آشکارا این معنی را اثبات می کند. در میدان سیاست و نظامی گری در اوایل عصر عباسی، هم اینان نگاهبان کیان خلافت اسلامی بودند و هرگاه که روی به ضعف و انقراض می، سیطره دستگاه خلافت نیز به مخاطره می افتاد. پایمردی های کسانی چون ابوسلمه خلیل و خالد بن برمک و یحیی بن خالد و فرزندان و خاندان سهل و دیگر دیوانسالاران ایرانی را در توسعه قدرت دولت و سیطره خلافت بغداد و نگاه داشت آن سیطره انکار نمی توان کرد. در میان این وزیران نامدار، برمکیان و آل

سهل از بزرگترین خاندان های ایرانی و دیوان سالار عصر شکوه خلافت به شمار می آیند که نقش بسیار مهمی در تقویت بنیان های فکری، فرهنگی و اجتماعی مسلمانان غیر عرب در خلافت عباسی ایفا نمودند. از این روی، نقش دیوانسالاران ایرانی در خلافت عباسی را باید از دو منظر مورد بحث و بررسی قرار داد؛ نخست آن که شیوه ملکداری این خاندان که دولت عباسی را به نیرومندترین دولت تبدیل کرد و قدرتی جهانی پدید آورد. دوم، نقش و تاثیر دیوانسالاران ایرانی در ایجاد نهضت فرهنگی و پشتیبانی از عامه مسلمانان غیر عرب و بخصوص دانشمندان و ادیبان که خود نیز در زمره آنان به شمار می رفتند. از همین روی، پژوهش حاضر به دنبال تبیین این مساله است که دیوانسالاران ایرانی چه نقشی در افزایش قدرت مسلمانان غیر عرب در حکومت عباسی داشته اند؟

پیشینه پژوهش:

درباره خلافت عباسیان و وزرای آنان و نقش کلیدی شان در آن دوره مقالات و رساله های متعددی نوشته شده است که هرکدام از آنها به بخشی از تاریخ عباسیان پرداخته اند، اما بر اساس جستجوهای انجام شده، پژوهشی با عنوان بررسی نقش دیوانسالاران ایرانی در افزایش قدرت مسلمانان غیر عرب در حکومت عباسی یافت نشد. با این حال، در کتاب ها و مقالات به موضوع دیوانسالاران ایرانی در دستگاه خلافت نیز اشاراتی شده است. از جمله؛

تاریخ ایران بعد از اسلام / عبدالحسین زرین کوب. نویسنده در این کتاب به بررسی اوضاع موالی و ایرانیان در دوره خلفای بنی امیه و تلاش ایرانیان بر رهایی از تبعیض نژادی امویان و همچنین به نقش وزرای ایرانیو خدماتی که امویان داده اند، می پردازد؛ تاریخ تمدن اسلام / جرجی زیدان. نویسنده در این کتاب به آثار فرهنگی و علمی ایرانیان از جمله خاندان ایرانی مورد بررسی در این تحقیق پرداخته است؛ تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی / برتولد اشپولر. کتاب دو جلدی است و جلد اول آن به بیان حوادث ایران از سال (۱۵ تا ۴۷۷ ه. ق) پرداخته است. اشپولر بیان حوادث تاریخی را در این کتاب تا حد امکان فشرده و خلاصه نوشته است. نویسنده در این اثر به بحث ورود اسلام به ایران و نحوه اسلام پذیری ایرانیان، همچنین وضعیت دهقانان و اسلام پذیری و مصالحه آنان در قرون اولیه اسلامی پرداخته است.

در خصوص تعاملات ایرانیان با عباسیان و همچنین سیاست های عباسیان در خصوص اهل ذمه و موالی پایان نامه های متعددی نوشته شده است. برخی از این پایان نامه ها به بررسی تاریخ سیاسی و اجتماعی برآمده از پرداخته اند که مرتبط با موضوع پژوهش حاضر است. بررسی کتب،

پایان نامه ها و مقالات مختلف نشان می دهد که در این پژوهش ها به نقش سیاسی این خاندان پرداخته شده است. آنچه در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته آن است که به صورت مستقل به بررسی نقش دیوانسالاران ایرانی در افزایش قدرت مسلمانان غیر عرب در حکومت عباسی پرداخته شود تا تحلیلی نو ارائه گردد.

دیوانسالاران ایرانی و بسط اندیشه ایرانی

دوران عباسیان را به ظهور خاندان های قدرتمند ایرانی چون برمکه، خاندان سهل و نوبختی که از همه مشهورتر بودند، می شناسند. درباره فضایل اخلاقی برمکیان داستان ها گفته اند و خاصه سخاوت و دادگری و مردمداری ایشان بیشتر موضوع و مضمون اشعاری است که در مدح این خاندان سروده شده است. یحیی برمکی از کبر و نخوت بیزار بود و متکبران را شتمت می کرد. غزالی که از جوانمردی و پاکدلی او سخن ها رانده یادآور شده که میان خویش و دیگران هیچ فرقی نمی نهاد. او در گرفتاری ها، بزرگترین پناهگاه مردم بود و از این کار هیچ گاه رویگردان نمی شد. فضل بن یحیی نیز به رغم تندخویی که داشت از جمله نخبگان بود و از جمله جوانمردان به شمار می آمد؛ حتی کسانی را که هجوش می گفتند از سخا و عطای خوش بی بهره نمی گذاشت (سجادی، ۱۳۷۴: ۱۲۲). جعفر را نیز به نیکخویی و سخا ستوده اند و جود و داد او را همه جا منشاء خیر و برکت دانسته اند. این مایه سخا و بزرگی خمیره جان و خصلت ذاتی آنان بود فضل بن سهل مردی سخی و کریم بود، چنانکه در جود و کرم با برمکیان برابری می کرد، وی مردی بردبار و بلیغ و به آداب پادشاهان دانا، و در چاره اندیشی بصیر و بینا دارای حدسی نیکو، و در تحصیل اموال زبردست، و در عقوبت و مجازات بسیار سخت گیر بود. مردم فضل بن سهل را «الوزیر الأمیر» می نامیدند (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۳۰۶).

مورخان خوش خلقی، خرد و به ویژه گشاده دستی فراوان حسن را ستوده اند. البته سخاوت او به سبب ثروت سرشارش نیز بود که تشریفات عروسی دخترش با مأمون گویاترین سند آن است. جعفر را هارون به مصاحبت خود برگزیده بود. جعفر «مردی فصیح و خردمند و زیرک و کریم و بردبار بود. هارون الرشید به جعفر بیشتر از برادرش فضل انس داشت زیرا جعفر اخلاقی نرم، ولی فضل تندخو بود؛ به گفته ابن طقطقی هرگاه حسن نزد مأمون می رفت مأمون سخن را طولانی می کرد و هروقت حسن می خواست برود مانع رفتن او می شد. (همان: ۳۱۰). از دیگر خصوصیات آنان توجه به آداب و رسوم ایرانی بود؛ فضل سعی داشت که آداب و رسوم ایرانی را در میان عربها گسترش دهد و راه و رسم زندگی را به دانش آموختگان یاد دهد تا جایی که فرزندان و

اقوام و خدمتکاران خود را نزد پیر پارس در خراسان فرستاد تا حکمت را از او بیاموزند. خاندان برمکی نیز با روی کار آمدن به ترویج سنن آداب ایرانیان در دستگاه خلافت کمک فراوان کردند. (نخجوانی، ۱۳۱۳: ۱۴۴).

بنابراین برمکیان به آیین های ایرانی ارج می نهادند و فضل دست پرورده آنها بود. فرمانروایی عرب و فخرفروشی آنها بر ایرانیان، روح بلندپرواز او را آزرده می کرد و از میان رفتن آداب و رسوم ایرانی برای او بسی ناگوار بود هرچند پاره ای از آیین های ایرانی چون نوروز به وسیله کسانی چون خالد برمکی و پس از آن به وسیله یحیی برمکی و فرزندانش از نو، پا گرفته بود اما اندیشه فضل در فضایی برتر پرواز می کرد. او آرزو داشت بار دیگر ایرانی آباد به چشم ببیند و شکوه دیرینه زمان ساسانیان را از نو زنده کند.

از این روی، برامکه و خاندان سهل بی تردید بیشترین تلاش را برای بازسازی هویت ایرانی در دل حکومت عباسی کرده اند. اساسا ویژگی برجسته این خاندان های نیرومند، حفظ و گسترش جایگاه مسلمانان غیر عرب و به دنبال آن حفظ فرهنگ، هنر، سیاست و حکومت ایرانی بود. برای همه این خاندان ها به ویژه خاندان های برمکی بازگشت به عظمت و شکوه ایران شهر عصر ساسانی مهمترین هدف سیاست ورزی در دستگاه عباسیان بود. حضور چشمگیر ایرانیان در روزگار عباسی موجب شده بود تا در تمام ارکان دولت نفوذ کنند، و در پی آن انتقال پایتخت از دمشق به بغداد، سبب گردید که آداب و سنت های ملی ایران در کلیه ممالک اسلامی نفوذ کند و هنر ایرانی در هنر اسلامی تاثیر فراوانی برجای گذارد. برای نمونه شهر بغداد که احداث آن در سال ۱۴۵ ق. به وسیله خلیفه المنصور آغاز شد، به صورت شهری مدور مانند فیروزآباد ساسانی طرح ریزی شد. این شهر، یک کاخ سلطنتی کاملاً مجزا داشت و در مدخل تالار اجتماعات آن یک ایوان سبک ایرانی احداث شده بود (مورگان، ۱۳۷۶: ۲۴).

خلفای عباسی تنها ظواهر تمدن ایرانیان را قبول نکردند بلکه آنها نیز مانند بنی امیه از راه غارت بیت المال و تحمیل مالیات های مختلف به ملل تابع، درباری بس با شکوه (مانند سلاطین ساسانی) برای خود ترتیب دادند. (راوندی، ۲۵۳۷، ۱۳۶/۲). علاوه بر این، در عهد عباسیان حتی شکل لباس و نوع غذا و سبک موسیقی و امثال آن نیز تحت تاثیر نفوذ مسلمانان غیر عرب بود. این نفوذ در زمان هادی و هارون الرشید و مامون به اوج کمال رسید. (براون، ۱۳۵۶، ۲۷۴).

مورخین مهدی را کسی می دانند که بیشترین تاثیر را از فرهنگ ایرانی پذیرفت (آبروی، ۱۳۹۰: ۱۷۱). نمونه های نفوذ و تاثیر ایرانیان فراوانند. جشن نوروز هم که عید باستانی

ایران بود، در عصر بنی عباس بدل به یک عید ملی رسمی شده بود که به اندازه عید فطر بدان اهتمام می کردند و خلفا برای تهنیت و تبریک در آن روز به بار عام می نشستند. (امین، ۱۳۵۸، ۱۳۹). در همین رابطه، مورخ مشهوری چون جاحظ می نویسد: «عبدالله بن طاهر در نوروز و مهرگان هر چه جامه در خزانه داشت می بخشید و یک جامه به جای نمی گذاشت» (جاحظ، ۱۳۴۳، ۲۰۴).

همین طور جشن سده و مهرگان نیز به همین گونه مورد توجه آنها گشت و حتی جشن سوری را هم فراموش نکردند. (زرین کوب، ۱۳۷۳: ۴۴) در آن زمان کلاه و لباس پارسیان همه گیر شده بود و حتی قضاات کلاه های بزرگ ایرانی بر سر می نهادند. خلفا نیز مطابق رسم و آئین ایرانی کلاه بر سر می گذاشتند (امین، همان ۱۴۰) در دربار آداب و رسوم پادشاهان ساسانی را تقلید می کردند و جامه هایی با نقوش و خطوط زرین می پوشیدند و «اعطای اجازه پوشیدن این نوع لباس ها از حقوق مختصه خلیفه بود» (براون، همان: ۲۷۴). بر خلاف دوران بنی امیه که حقیرترین اعراب نیز حاضر به ازدواج با ایرانیان نبودند، خلفای عباسی با دختران ایرانی ازدواج می کردند و حتی فرزندان این زنان به مقام خلافت رسیدند. مانند مامون که مادرش ایرانی بود و با پوران دختر حسن بن سهل ازدواج کرد و داستان تجمل و شکوه فراوان جشن ازدواج ایشان را مورخین به تفصیل آورده اند. (مسعودی، ۱۳۸۴: ۴۴۳/۲) مورخین اسلامی اشاره دارند که حسن بن سهل شکوه اشرافیت و آداب و رسوم ایرانی را در عروسی دخترش به تماشا گذاشت. نفوذ ایرانیان در عرصه های مختلف دانش، و منطق و فلسفه و پزشکی و نجوم و هیئت و ... همگی را بایستی در راستای بسط اندیشه ایرانشهری تاویل و تفسیر کرد.

دیوانسالاری برامکه

نقش سازنده قیام ایرانیان در به قدرت رسیدن بنی عباس و تأثیرپذیری فراوان آنان از وجوه سیاسی تقلید از شیوه اداره حکومت شاهان ساسانی و به کارگیری وزیران و اندیشه ایرانشهری، ضرورت ایجاد دستگاه دیوانسالاری و کارگزاران ایرانی را در این دستگاه به دنبال داشت. در دوره بنی عباس، بیشتر حکام به صورت مستقیم از طرف خلیفه برای اداره مناطق تحت سیطره خلافت اسلامی برگزیده می شدند که بسیاری از این حکام را ایرانیان تشکیل می دادند. لذا با توجه به اینکه حکام مناطق مختلف قلمرو عباسی ایرانی بودند غالباً ایرانی ها را در امور اداری و سیاسی به کار می گرفتند. از این روی نهاد وزارت یا نهاد دیوانسالاری در دوره نخست خلافت عباسی بر عهده دیوانسالاران ایرانی بود.

نهاد وزارت در دستگاه خلافت عباسی، خواه از مقام دبیران (کاتبان) که شغلشان در دربارهای متأخر اموی از عملکرد و سبک ساسانی تأثیراتی فراوانی پذیرفته بود، منشأ گرفته باشد و خواه ابتکار خلفای اولیه عباسی بوده باشد، به شدت مدیون اندیشه سیاسی ایرانشهری و عملکرد ساختار قدرت سیاسی در عصر ساسانیان است (یارشاطر، ۱۳۸۱: ۱۰۲). بازتاب این منصب در دیگر منابع تاریخی نیز بدین گونه است که منصب وزارت اعظمی که خلفا برقرار کردند و در میان همه دول اسلامی متداول شد، تقلید مستقیم از منصب «وزرگ فرمدار» ساسانیان بوده و روابط خلفا با وزیراعظم نیز بسیار شبیه به ارتباط شاهنشاه ساسانی با «وزرگ فرمدار» بوده است (العاکوب، ۱۳۷۴: ۶۳-۶۲).

بر این اساس، با شکوفایی وزارت و دستگاه دیوان سالاری ایرانی، به کارگیری وزیران و کارگزاران ایرانی در اداره امور خلافت عباسی رونق و ضرورت بسیاری یافت. در چنین شرایطی پایگاه اجتماعی مسلمانان غیر عرب از سطوح نازل پیشین ترقی پیدا کرد. بخشی از این مهم به تدبیر دیوانسالاران ایرانی از جمله برامکه و خاندان سهل محقق شد. برامکه بواسطه چند عنصر توانستند، موقعیت مسلمانان غیر عرب را در خلافت عباسی بهبود ببخشند.

اقدامات برامکه

برمکیان به عنوان یکی از خاندان‌های ایرانی، در مناسبات ساختار قدرت سیاسی عباسیان بسیار اهمیت داشتند و تأثیرگذارترین خاندان دیوانسالار ایرانی در ترقی پایگاه اجتماعی مسلمانان غیر عرب بودند. این خاندان ایرانی الاصل بودند و طی سالیان متمادی سرپرستی معبد نوبهار را برعهده داشتند (بووا، ۱۳۵۲: ۳۵). خواجه نظام الملک طوسی در سیاست نامه ضمن اشاره به مقام و منزلت رفیع خاندان برمکی بیان کرده است که آنها از زرتشتیان بودند و اداره آتشکده بلخ برعهده آنان بود (طوسی، ۱۳۸۰: ۲۱۹).

از معروف ترین افراد این خاندان که نقش اساسی در دگرگونی پایگاه اجتماعی مسلمانان غیر عرب ایفا کرد، خالد برمکی بود. خالد برمکی به چنان قدرت و نفوذی در دستگاه خلافت عباسی دست یافته بود که همچون پادشاهان ساسانی در اعیاد نوروز و مهرگان بار عام می داد و هدایایی را دریافت می کرد و نیز هدایایی را به مردم می بخشید و شاعران عرب و عجم در پیشگاه وی به مدیحه سرایی می پرداختند. داد و دهش خالد باعث جذب بسیاری از افراد و از جمله شاعران به سمت او می شد و برای اینکه از خوان نعمت او برخوردار شوند، اشعاری را در مدح او یا درباره آداب و مراسم ایرانی از جمله نوروز یا سایر ادیان ایرانی می سرودند (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۲۱۳).

ابوالفرج اصفهانی در این باره نقل کرده است که بشار بن برد از خالد برمکی برای مدحی که در وصف خاندان او در مراسم نوروز کرد، مبلغ هزار درهم برای هر بیت صله گرفت (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳/۱۷۳). خالد در دربار مسئولیت های بسیاری داشت و ارتباطی صمیمانه با خلفای عباسی چون سفاح، منصور و مهدی برقرار کرده بود. در امر حکومت داری و نشر آداب و رسوم ایرانی از تجربیات او بسیار بهره می بردند و در همه امور با او مشورت می کردند. وی مشتاق گسترش فرهنگ ایرانی در دربار عباسی بود؛ چنان که مطابق نقل ابن شهر آشوب زمانی که منصور از امام موسی کاظم (ع) در روز نوروز درخواست کرد به تخت بنشیند و از مردم هدیه بگیرد، خلیفه علت برگزاری نوروز را راضی نگاه داشتن ایرانیان دانست که ناچار است این عید را جشن بگیرد و هدایای مردم را قبول کند (ابن شهر آشوب، بی تا، ۳۱۸/۴). این روایت خود نشان دهنده قدرت ایرانیان و ترقی چشمگیر منزلت اجتماعی آنان در دربار عباسی است.

در عصر یحیی، نفوذ دیوانسالاران برمکی به اوج خود رسید. یحیی نیز مانند پدرش خالد به رسم شاهان ساسانی بار عام می داد و مردم را به حضور می پذیرفت. او برای سرشناسان شهر و اهالی دین و ادب مستمری برقرار و برای کودکان یتیم مکتب خانه هایی تأسیس کرد (جهشیاری، ۱۳۵۷: ۲۲۸-۲۲۹). او همچنین متصدی اداره همه دیوانها شد و مقام وزارت هارون خلیفه عباسی را بر عهده گرفت (ابن طقطقی، همان: ۲۶۹). گفتنی است درخشان ترین دوران خلافت عباسیان با وزارت یحیی برمکی آغاز شد که به مدت هفده سال طول کشید. دوران او دوران پیشرفت تمدن و آبادانی بود و هیچ وقت امپراتوری اسلامی به ثروت و نعمت دوران خلافت هارون الرشید نرسید و مالیات ها به راحتی و نظم و ترتیب این دوران وصول نشده و مسلمانان غیر عرب تا این حد از وضعیت سیاسی و اجتماعی خوبی برخوردار نشده بودند (بووا، همان: ۶۱-۶۲).

از همین روی، برمکیان غیر از نقش مهمی که در تحولات سیاسی قرن دوم هجری داشتند در تحولات اجتماعی و فرهنگی و اقدامات عام المنفعه نیز تأثیر گذار بودند. فضل بن یحیی در مناطقی که به امارت منصوب شده بود چه در خراسان و خطه وسیعی از طبرستان، ری، نهاوند، همدان، گرگان و قومس توانست کارهای عام المنفعه زیادی انجام دهد. به گونه ای که به واسطه این اقدامات بسیاری از مشکلات جاری مسلمانان غیر عرب مرتفع شد. از بناها و کارهای عام المنفعه فضل بن یحیی در خراسان بخصوص در بلخ و بخارا منابع سخن زیاد گفته اند: جهشیاری می نویسد: « فضل چون به خراسان رسید امر داد دفتر مالیات های معوقه را بسوزانده حقوق سربازان را افزود و در مدت یک سال ده میلیون درهم به مستخدمین و به کسانی که بدیدنش آمده بودند اعطا کرد، مسجد بخارا را که به علت زیاد شدن جمعیت شهر کوچک شده

بود، فضل برای نوسازی آن مبالغ هنگفتی را صرف نمود، او اولین کسی بود که در لیالی رمضان اقدام به نصب چراغ و قندیل در مساجد نمود». (همان: ۲۰۰).

این در حالی بود که اغلب سربازانی که از مناطق غیر عرب به سپاه اسلام ملحق می شدند از حقوق و مزایای کمتری برخوردار می شدند. همچنین او آبگیرهای زیاد را در مناطق کم آب ساخت. مسافرخانه ها، سربایها، جاده ها و پل ها و مسجدها را در مناطقی که تحت امارات او بود بنا نهاد. در چنین شرایطی، به علت خدمات بسیار گرانبهائی که فضل در حق مردم خراسان نموده بود، مردم برای اظهار قدردانی و احسان بیست هزار طفل نوزاد خود را فضل نامگذاری کردند. (بووا، همان: ۸۳).

این حضور مؤثر و نقش تعیین کننده خاندان برمکی در دستگاه دیوان سالاری حکومت عباسی موجب ترویج و اعتلای فرهنگ و سنن ایرانی شد و این مهم نیز در جای خود، ترقی دوباره عنصر ایرانی در عرصه های سیاسی، نظامی و فرهنگی و در نهایت تحول پایگاه اجتماعی آنها را به همراه داشت.

نفوذ در خلافت عباسی

برخوداری خاندان برمکی از این میزان قدرت سبب شد در تمامی امور اختیار تام داشته باشند و در برگزاری تمامی اعمال و مراسم آزادانه عمل کنند. در نتیجه این امر بود که برگزاری اعیاد، جشن ها و مراسم آیینی ایرانیان رونقی دوباره یافت و حتی غیر ایرانیان و در مواردی پیروان سایر ادیان و مذاهب را نیز به خود جذب کرد. در این باره می توان از فردی مسیحی به نام جبرئیل بن بختیشوع سخن به میان آورد که متأثر از تربیت خاندان برمکی، در نوروز به بارگاه متوکل وارد شد و به رسم ایرانیان هدیه ارزشمندی را که همسر یحیی برمکی به او داده بود، به خلیفه تقدیم کرد (تنوخی، ۱۳۹۳ق: ۲۴۵/۸). خاندان برمکی به منظور نکوداشت و ترویج فرهنگ و آیین های ایرانی، تمامی اعیاد و مراسم باستانی را جشن می گرفتند و در آن به تقلید از شاهان ساسانی بار عام می دادند (مسعودی، همان: ۳۷۶/۳). علاوه بر مسعودی و ابن طقطقی، مورخان دیگر نیز بر این نکته تأکید داشتند که خاندان برمکی مطابق با سنت های آیینی و فرهنگ باستانی خود، به تقلید از شاهان ساسانی جشن می گرفتند و بار عام می دادند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۵۶۹/۲: جاحظ، ۱۹۹۸، ۱۹۰-۱۹۱).

ساختار ایرانی دستگاه دیوانسالاری

سومین عامل مؤثر، بهره‌گیری از ساختار ایرانی در دستگاه دیوان سالاری بود. در این دستگاه، مطابق با سنت ملک داری ایرانی، امور اداری و دیوانی حکومت براساس روش حکومت داری ایران ساسانی بود و مناسبات اداری و دیوانی شباهت بسیاری با ساختار سیاسی ایرانی و دستگاه اداری و دیوان سالاری ایران عصر ساسانی داشت. براساس این مهم و با وجود وزیران و کارگزاران قدرتمندی چون خاندان برمکی، بسیاری از مسلمانان غیر عرب برای رسیدگی به این امور و پیشبرد فعالیت های اداری و دیوانی حکومت عباسی، در این دستگاه مشغول به کار شدند. در این باره جهشیاری معتقد است یحیی بن خالد برمکی و فرزندانش چون ایرانی بودند و در وزارت اختیار تام داشتند، ایرانیان را دور خود جمع کردند و مشاغل اداری، کشوری و دفتری را به آنان سپردند. هر یک از آنها به تقلید از مرزبانان و اسپهبدان عصر ساسانی درباری داشتند که در آن بسیاری از سازوکارهای ساختار دیوانی و اداری براساس آموزه های دستگاه دیوان سالاری ایران عصر ساسانی بنا نهاده شده بود. از جمله این ساز و کارها می توان به احیای دوباره طیفی به نام دبیران در دستگاه اداری و دیوان سالاری حکومت عباسی اشاره کرد (جهشیاری، همان: ۲۸۹).

برامکه و نهضت ترجمه

نهضت ترجمه در عصر عباسی فعال شد و از جانب خلفا مورد حمایت قرار گرفت (حناخوری، ۱۳۶۸: ۵۵۲). در واقع عصر عباسیان دور جدیدی از تحولات تاریخی و فرهنگی و علمی را در تمامی ممالک تابعه خلافت اسلامی به دنبال داشت، دوره ای که آن را عصر طلایی اسلام، دوره مدنیت اسلامی و عصر زرین فرهنگ و تمدن اسلام نام نهاده اند (زیدان، ۱۳۶۹: ۲/۲۸۱). خلفای عباسی از این نهضت حمایت می نمودند از جمله در عصر منصور به ترجمه کتاب های نجوم همت گماشت و هارون الرشید و مأمون نیز به آثار فلسفی توجه خاصی نشان می دادند.

دست یافتن مسلمانان به تألیفات یونانی و ایرانی و هندی توسط مترجمانی بود که غالباً از ملل غیر عرب و از مسیحیان بودند مانند سریانیان، یعقوبیان و نسطوریان همچنین خاندان های مهمی از آنان از جمله خاندان بختیشوع، ماسویه و حنین که سریانی بودند و سهم فرهنگی مهمی در دنیای اسلام داشتند (همان، همان: ۵۵۴). غیر از این خاندان های سریانی، خاندان های مسلمان مانند برامکه و سهل و نوبخت بودند که با تدبیر و علم و آگاهی به علوم توانستند این نهضت را پیش ببرند و باعث شوند که در قرون بعد ترجمه گسترش زیادی داشته باشد و

مسلمانان غیر عرب زیادی وارد این عرصه شدند.

در کل مسلمانان غیر عرب در نهضت ترجمه فعالیت زیادی داشتند. ایرانیان که از اعصار کهن به علم و دانش و فرهنگ و تمدن توجه زیادی داشتند با ورود اسلام به ایران نیز سعی در به دست آوردن دوباره آن نمودند و با تلاش خود توانستند گامی مهم در راه اعتلای اسلام بردارند و موجب شکوفایی علوم در اعصار بعد شوند. برمکیان با تأثیرات بسیاری که در نهضت های علمی سده دوم گذاشتند، باعث شدند که نهضت های بخصوص ترجمه در سده های (۴/۵) به اوج خود برسد. از آن جمله نهضت ترجمه که، مهمترین واسطه انتقال آثار و دانش های ایرانی و هندی و یونانی به جهان اسلام بود، برآمده توانستند کمک شایانی به مترجمین مسلمان غیر عرب نمایند.

بیت الحکمه یا خزانه الحکمه در تمدن اسلامی مخصوصا دوران مأمون خلیفه عباسی مرکز اجتماع دانشمندان و علما و مترجمان بوده است. این دانشمندان به تشویق خلفا و وزیران خود در این مرکز علمی جمع می شدند و مترجمان به کار ترجمه می پرداختند، به همین جهت در بیت الحکمه، دارالترجمه نیز وجود داشته است. تأسیس این مرکز علمی در زمان هارون الرشید بوده و ظاهرا به دست یحیی برمکی ایجاد شده است اما توسعه آن در زمان مأمون خلیفه عباسی می باشد. (امین، همان، ۶۶)

خلفای عباسی از زمان منصور به بعد به کمک دانشمندان و خاندان های ایرانی (برامکه، سهل، بختیشوع، ماسویه، حنین) به ترجمه و نقل و جمع آوری کتب پرداختند. در دوران هارون بر اثر فتوحاتی که در آسیای صغیر نصیب او گردید، مقداری از کتب طبّی یونانی به بیت الحکمه انتقال داده شد (همان، ۷۰/۲)

برمکیان به علوم یونانی نیز توجه زیادی داشتند، از آثار یونانی که به تشویق برمکیان و توسط دو مترجم به نام ایوب و سمعان ترجمه شد. کتاب زیج بطلمیوس می باشد که برای محمد بن یحیی بن خالد ترجمه و تفسیر شد (همان: ۴۴۵)، غیر از ترجمه آثار یونانی، برامکه به ترجمه آثار ایرانی نیز توجه داشتند از جمله کتاب کلیله و دمنه میباشد که در سال (۱۶۵ ق) به دستور آنها (برامکه) توسط عبدالله بن هلال اهوازی دوباره ترجمه شد و پس از آن سهل بن نوبخت و ابان بن عبدالحمید از روی آن کلیله و دمنه را منظوم ساختند. (جهشاری، همان: ۲۲۶).

چنان که برامکه به ابان بن عبدالحمید به خاطر به نظم در آوردن کلیله و دمنه ده هزار دینار از طرف یحیی و ۵ هزار دینار از طرف پسرش فضل پاداش دادند. (ابن ندیم، همان: ۲۷۲). همچنین برامکه به ترجمه آثار هندی نیز علاقه زیادی داشتند، به طوری که یحیی بن خالد از هند کتابهایی آورد و به بیت الحکمه افزود (زیدان، همان، ۶۳۴/۲). ابن ندیم از کتابی به نام

مذاهب الهند نام برده که به عربی نوشته شده است و به تشویق یحیی برمکی دانشمندی برای تحقیق در ادیان هند به آنجا فرستاده شد و موجب تدوین کتاب (مذاهب الهند) گردید. (ابن ندیم، همان، ۴۰۹) همچنین برمکیان بیمارستانی را در بغداد تأسیس نمودند که ریاست آن را به یکی از مترجمان آثار هندی به نام ابن دهن سپردند (همان: همانجا)

در کل آمد و شد بین پزشکان هند و ایرانی وجود داشت به طوری که پزشکی به تشویق برمکیان از هند به عراق آمدند و یحیی برمکی نیز پزشکی را برای تحقیق در زمینه داروهای هندی به آنجا فرستاد. (همانجا). پزشکان هندی بسیار مورد توجه برمکیان قرار گرفته بودند در مجموع برمکیان به امر پزشکی علاقه زیادی داشتند، چنان که بختیشیوع به فرمان یحیی در سال ۱۷۱ ه ق به بغداد آمد و پسرش جبرئیل نیز مورد حمایت یحیی و جعفر برمکی قرار گرفت. (جهشیاری، همان: ۲۲۶-۲۲۷).

برامکه غبراز پزشکی به علم نجوم نیز علاقه و توجه داشتند، چنانچه یحیی برمکی در نجوم مهارت داشت و همه ساله منجمان زیادی به خدمت او می شتافتند و اعضای خاندان نوبختی از جمله منجمانی بودند که با تشویق و حمایت یحیی به کار ترجمه اشتغال یافتند (ابن ندیم، همان: ۴۹۱-۴۹۲). ابن ندیم، یحیی را در زمره فیلسوفان و در ردیف حکمای هند و ایران و یوتان قرار داده است و در منابع نیز از مجالس متعددی سخن رفته است که وی برای بحث و بررسی و مناظره در مسائل کلامی و عقلی بر پا می داشت. (همان: ۴۱۹)

برمکیان به مدت ۵۰ سال با عقل و درایت امور خلافت را اداره و در راه توسعه علم و معرفت تلاش بسیاری نمودند و از اهل علم و دانش و بخصوص مسلمانان غیر عرب حمایت می کردند (براون، همان: ۳۷۲/۱). در مجموع برمکیان خاندانی آگاه و اهل علم و دانش و با علاقه ای که به فرهنگ و تمدن و علوم مختلف زمانه داشتند سعی بسیار را در آموختن و به کار گرفتن علوم و تلاش بسیاری را در راه اعتلا و شکوفایی فرهنگ دنیای اسلام نمودند

خاندان سهل و تقویت جایگاه مسلمانان غیر عرب

خاندان سهل از مهم ترین دیوانسالاران ایرانی بودند که برای تقویت جایگاه اجتماعی و سیاسی مسلمانان غیر عرب در برابر اعراب تلاش های بسیاری کردند. فضل بن سهل به سَنَتِ- های دهقانان ایرانی توجه می نمود و در حفظ آنها می کوشید (جهشیاری، همان: ۲۳۱-۲۳۲) و آداب ایرانی را، همچون برمکیان، در دربار مأمون تجدید کرد؛ چنانکه بر تختی می نشست که دوازده نفر آن را حمل می کردند و در کنار مأمون جایگاهی مخصوص داشت (همان: ۳۱۶). ابن

ندیم در کتاب الفهرست نام وی را در زمره نویسندگان مترسل و ساده نویس که رساله هایشان روایت شده است آورده (ابن ندیم، همان: ۱۹۵) و در جای دیگری از کتاب خود فضل را جزء نویسندگان شاعر آورده است. فضل از سخنوران بزرگ و صاحب پند و حکمت بود. هارون الرشید نخستین کسی است که هنرمندی او را در پند و حکمت ستوده است.

سهل بن هارون از نویسندگان بزرگ و خوش سخن، هم دانایی و سخن پردازی فضل را تحسین کرده است و می گوید: یکی از سخنان باقیمانده از ذوالریاستین که دوست داریم در کتابها جاودانه بماند تا دیگران به او اقتدا کنند و از گفته های حکمت آمیزش بهره مند شوند و استفاده کنند این سخن است: هرکس حقی را فروگذارد، بهره ای را از دست داده است و آن کس که حقی را ادا کند، غنیمت هایی را به دست آورده است، هرکس لطفی را انجام دهد سپاسی را واجب داشته است و هر کس که به خداوند توکل کند از خداوند بدی و نابودی نبیند و هرکس برای رضای خداوند چیزی را ترک کند، چیزی را از دست نداده است. و هرکس با نافرمانی و عصیان از خداوند دنبال حمد و ستایش باشد، سرزنش و نکوهش نصیبش می شود. هر کس با مخالفت با حق به دنبال نجات و رهایی باشد آن چه به دست می آورد باعث هلاک او می شود و این هاست که موجب رستگاری نیکوکاران و بدفرجامی گناهکاران خواهد شد (العاکوب، همان: ۱۱۳).

وی به مأمون گفت اگر می خواهی که فرمانروایی پایدار بماند، عدل و انصاف پیشه کن و دل های مردم را با احسان صید کن (عوفی، ۱۳۷۴: ۲۹۸) وی از توقیع نویسان نیز بود و در نوشتن توقیع شهرت فراوانی داشت و از جمله کسانی بود که به دو زبان فارسی و عربی تسلط کامل و کافی داشت و در آداب و رسوم هر دو ملت ایران و عرب آشنایی داشت. مهارت بالایی که در هر دو زبان داشت موجب گردید که گوهر دانش هر دو زبان را بگیرد و خوبیهای هر دو ملت را اقتباس کند. فضل سعی داشت که آداب و رسوم ایرانی را در میان عرب ها گسترش دهد و راه و رسم زندگی را به دانش آموختگان یاد دهد تا جایی که فرزندان و اقوام و خدمتکاران خود را نزد پیرپارس در خراسان فرستاد تا حکمت را از او بیاموزند وی به نویسندگان و کار آنها ارج می نهاد و جیره گروه دبیران را که از زمان خلفای اموی تا زمان مأمون سالیانه سیصد درهم بود افزایش داد.

نویسندگان چیره دست علاوه بر حقوق پاداش می گرفتند از آن جمله فضل دستور داد تا محمد بن یوسف را که از منشیان زبردست بود به جز جیره همیشگی پول و چیزهای دیگر نیز بدهند و او را به سمت ریاست منشیان دربار برگزید. در زمان مأمون نویسندگان در نیکو ساختن خط به مسابقه پرداختند و چندین قلم دیگر به نام قلم مرصع، قلم نساخ، قلم رقا، قلم غبار

المحلیة و ریاسی پدید آمد قلم اخیر را از آن جهت ریاسی می گفتند که مخترع آن فضل ذوالریاستین بود. فضل بن سهل در تمامی علوم از جمله نجوم، تبحر داشت. ابن خلکان می نویسد فضل از مطلع ترین مردم در علم ستاره شناسی و بهترین آن ها در درستی احکام نجوم بود و از طرفی هم درگاهش پیوسته محل رفت و آمد شاعران و دانشمندان و منجمانی و ... بود که از نقاط مختلف برای نشان دادن علم و ادب خود و دریافت جوایز بدانجا می آمدند. وی حامی و مشوق شاعران و دانشمندان بود. یحیی بن ابی منصور که از دانشمندان آگاه به علم نجوم بود از متصلین به درگاه وی بود. (ابن ندیم، همان: ۲۳۱). وی همچنین در ایام خلافت مأمون، عمرین الفرخان را از شهر خویش به نزد مأمون دعوت کرد و در خدمت گماشت. ابن الفرخان کتاب های زیادی برایش ترجمه کرد و احکامی در نجوم داشت که همواره مورد قبول منجمان اسلام بود. (صفا، ۱۳۷۴: ۶۰)

فضل بن سهل از حامیان نهضت ترجمه در عصر مأمون بود و با دعوت از مترجمانی چیره دست به دربار مأمون، موجب ترجمه آثار علمی و فلسفی به عربی شد. ابن ندیم حسن را در ردیف مترجمان فارسی به عربی آورده است (ابن ندیم، همان: ۱۱۰) وی از مترجمان ماهر و زبردست پندها و آداب ایرانی بود و کتاب جاویدان خرد را که شامل حکمت های ایرانیان و دیگر اقوام است به عربی ترجمه کرده است (همان: همانجا). همان طور که گفته شد فضل برادر حسن افراد خانواده اش را نزد پیری در خراسان فرستاد تا حکمت بیاموزد آنان حکمت هایی را که آموخته بودند نزد فضل تکرار می کردند و چون او خود به حکمت های ایرانی واقف بود، می دانست که هر حکمت سخن چه کسی است حسن هم علاقه زیادی به پند و ادب فارسی داشت. او حکمت های برجسته ایران را از حفظ داشت که در آثار و پند و اندرزهایش نمایان است وی که از بزرگترین مردان پند فارسی است در مورد نویسندگی می گوید: نویسندگان باید بدانند که آداب و رسوم نویسندگی ده چیز است سه رسم آن شهرگانی و سه آیین دیگر انوشیروانی و سه قاعده عربی و یکی دیگر که از همه بزرگتر و بهتر است. سه رسم شهرگانی عبارت است از بازی شطرنج و چوگان و نواختن عود است و سه فن انوشیروانی عبارت است از علم طب و هندسه و سوارکاری و شمشیربازی و تیراندازی است و سه قاعده عربی شعر و علم انساب و تاریخ است. اما قاعده دهمین که از همه بهتر است عبارتست از تلقی آداب و علوم از مجالس دانش که همان سخنان کوتاه و گزیده است که در محافل و مجالس گفته میشود و در موقع مناسب از آن استفاده می کنند (امین، همان: ۲۰۵). پیداست که حسن در این زمینه از فرهنگ مردم ایران و پند و اندرزهای آنان استفاده کرده است.

وی همچون مربیان خود یعنی برمکیان بسیار بخشنده و حامی و مشوق شاعران و

نویسندگان و دانشمندان و مترجمان بود و در این راه تلاش بسیاری می کردند. مثلاً ابن طریق ابوزکریا پسر ابویحیی بطریق از مترجمان زمان او که در زمینه فلسفه و طب از زبان های مختلف به عربی ترجمه میکرد. و تعداد زیادی از کتاب های سقراط و ارسطو را ترجمه کرده است از خاصان حسن بن سهل است (صفا، همان: ۶۲) و یا عمر بن بکیر که از راویان اخبار میباشد و کتاب های زیادی را تألیف کرده است از دوستان و همنشینان وی بود (ابن ندیم، همان: ۱۷۲) البته شاعران بسیاری نیز از شهرهای اطراف برای دریافت صله و جوایز پیش وی می آمدند و شعر میسرودند و بازار شعرو شاعری نزد وی پر رونق بود (جهشیاری، همان: ۲۰۱). او خود نیز از نویسندگان بود و از جمله کسانی که آثارشان در کتابها روایت شده است برای نمونه از سخنان او می باشد که: از سخنانی که از جهانیان باقی مانده است این سخن است که با احسان و نیکی درمورد خودتان از خداوند نترسید از کوتاهی و تقصیری بترسید که برای شما عذاب و کفر در پی دارد (الایلی، ۱۴۱۰: ۵۶/۲). در سایه چنین اقداماتی، موجبات دگرگونی پایگاه اجتماعی مسلمانان غیر عرب در عصر اول عباسی فراهم شد. مسلمانانی غیر عربی که با حمله اعراب در پایین ترین مراتب اجتماعی به سر می بردند، توانستند در نتیجه رویکردها و حمایت های دیوانسالاران ایرانی تحرک صعودی چشمگیری را تجربه کنند و پایگاه اجتماعی در خور توجهی به دست آوردند.

نتیجه گیری

در عصر عباسیان، دیوانسالاران ایرانی با استفاده از شرایط نوظهور و به ویژه نیاز بنی عباس به میراث و تجارب ایرانیان در اداره قلمرو خلافت، سعی در ارتقای جایگاه اجتماعی خود داشتند و زمینه های مشارکت فعال تر مسلمانان غیر عرب در سیاست و جامعه را هموار کردند. مسلمانان غیرعرب نیز با استفاده از نقش مؤثر خویش در قدرت گیری بنی عباس و ایفای کارکرد های مختلف در دستگاه خلافت، نگاه مطلوب عباسیان به فرهنگ و میراث ایرانی و ایفای کارکرد فرهنگی، نیاز آنان به مدیران ایرانی در اداره حکومت و ایفای کارکرد سیاسی - اقتصادی، به رواج و گسترش تجارب کارآمد خویش که با عنوان میراث ایرانشهری از آن یاد شد - پرداختند.

کارکردهای مذکور توسط کارگزاران و رجال ایرانی صورت گرفت که بخش مهمی از جریان تکوین و تثبیت قدرت بنی عباس بر عهده آنان بود. نخستین نمونه تأثیر و تحرک صعودی منزلت ایرانیان در عصر نخست عباسی، نقش بسیار مهم ایرانیان به ویژه خراسانیان در به قدرت رسیدن حکومت عباسی و منصب پذیری ایرانیان به عنوان کارگزاران و بدنه اصلی لشکر عباسی بود.

این مهم سبب شد تا ایرانیانی که در ادوار پیش حق برخورداری از هیچ مرتبه عالی نظامی را نداشتند و در بهره مندی از غنایم جنگی سهم کمتری داشتند، به عنوان رکن اصلی سپاه بنی عباس مشغول به فعالیت شوند و منزلت بس متری تری را نسبت به گذشته خود به دست آورند. مهم تر آنکه نیاز خلافت به دیوان سالاری منسجم برای اداره قلمرو گسترده خویش، موجبات نفوذ دبیران ایرانی و در رأس آنها خاندان برمکی و سپس خاندان سهل را فراهم کرد.

نفوذ فراوان این خاندان زمینه های به کارگیری هرچه بیشتر عناصر ایرانی در مناصب اجرایی را هموار کرد و در پرتو آن، مراتب اجتماعی قبلی را در هم شکست. این وزیران و کارگزاران با ترویج آداب و رسوم و گسترش فرهنگ سیاسی پیشین، موجبات اعتلای اعتبار جمعی مسلمانان غیر عرب را فراهم کردند و در قیاس با گذشته، مرزهای تعریف شده قومی قبیله ای را در هم شکستند.

منابع و مآخذ:

۱. آریبری، آرتور، تاریخ اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۰
۲. ابن شهر آشوب، ابی جعفر رشید الدین محمد، مناقب ال ابی طالب، قم، علامه، بی تا
۳. ابن طقطقی، ابو عبدالله محمد بن علی بن علی، الفخری، بیروت، دارصار، ۱۳۶۷
۴. ابن ندیم، محمد بن اسحاق؛ الفهرست؛ ترجمه م. رضا تجدد؛ تهران: چاپخانه بانک بازرگانی ایران، ۱۳۵۴
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، چاپ علی اکبر غفاری، بی جا، ۱۳۷۳
۶. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ترجمه و تلخیص محمدمشایخ فریدنی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸
۷. الالیدی، محمود، اعلام الناس بما وقع للبرامکه مع بنی عباس، بیروت، دار صا، ۱۴۱۰
۸. امین، احمد، پرتو اسلام، ترجمه عباسی خلیلی، تهران، اقبال، ۱۳۵۸
۹. براون، ادوارد، تاریخ ادبی ایران، ترجمه علی پاشا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶
۱۰. جهشیاری، محمد بن عبدوس، کتاب الوزراء و الکتاب، چاپ عبدالله اسماعیل صاوی، قاهره ۱۳۵۷
۱۱. زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، تهران ۱۳۶۹
۱۲. نخجوانی، هندوشاه، تجارب السلف، چاپ عباس اقبال، تهران، ۱۳۱۳
۱۳. بووا، لوسین، برمکیان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۵۲
۱۴. تنوخی، محسن بن علی، نشوار المحاضره و اخبار المذاکره، تحقیق عبود الشالجی، بی جا، بی تا، ۱۳۹۲ق
۱۵. جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر، البیان و التبیین، تحقیق و شرح عبدالسلام محمد هارون، قاهره، المکتبه الخانجی، ۱۹۹۸
۱۶. جاحظ، ابوعثمان، تاج، ترجمه محمد علی خلیلی، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۳
۱۷. راوندی، مرتضی، تاریخ تحولات اجتماعی، تهران، انتشارات جیبی، ۲۵۳۷
۱۸. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳
۱۹. سجادی، صادق، تاریخ برمکیان، تهران، طهوری، ۱۳۷۴
۲۰. صفا، ذبیح الله، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴
۲۱. طوسی، نظام الملک، حسن، سیاست نامه، به کوشش هیوبرت دارک، تهران، ۱۳۴۷
۲۲. العاکوب، عیسی، تاثیر چند پارسی بر ادب عربی، ترجمه عبدالله شریفی خجسته، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴
۲۳. عوفی، محمد، جوامع الحکایات، تصحیح جعفر شعار، تهران، سخن، ۱۳۷۴
۲۴. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تصحیح محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۴
۲۵. مورگان، دیوید، ایران در قرون وسطی، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۶
۲۶. یارشاطر، احسان، حضور ایران در جهان اسلام، ترجمه فریدون مجلسی، تهران، مروارید، ۱۳۸۱